

تعدیل وجه التزام در حقوق ایران، مصر و انگلستان

اکبر برزگر صمغ آبادی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی
واحد علوم و تحقیقات

چکیده

التزام معین شده در قرارداد) وارد شده و در آن تغییری صورت دهد، مورد بحث ما در این مقاله قرار می‌گیرد.

بر همین مبنا در یک مطالعه تطبیقی به بررسی مقررات، رویه قضایی و اندیشه‌های حقوقی در خصوص تعدیل وجه التزام در حقوق ایران، مصر و انگلستان می‌پردازیم. لذا مطالب را به صورت جداگانه در سه فصل ذیل مورد بررسی قرار می‌دهیم.

فصل اول: حقوق ایران

در مورد امکان تعدیل وجه التزام در حقوق ایران، نص صریحی نداریم. به غیر از ماده ۲۳۰ قانون مدنی که بیان می‌کند: «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی را به عنوان خسارت تأدیه نماید، حاکم نمی‌تواند او را به کمتر یا بیشتر از آنچه ملزم شده است محکوم نماید». هیچ نص قابل ملاحظه‌ای در زمینه تعدیل وجه التزام وجود ندارد. اما اکثر حقوقدانان سعی دارند که راهی را از طریق تفسیر قوانین و مقررات و استفاده از اصول و تفاسیر حقوقی، برای تعدیل وجه التزام بیابند. لذا راه‌حلهای مختلفی را ارائه کرده‌اند و برخی از این راه‌حل‌ها بعضاً مورد انتقاد قرار گرفته است. لذا در ادامه‌ی بحث، نظریات و راهکارهای حقوقی را برای امکان تعدیل وجه التزام بیان می‌کنیم. ذکر این نکته نیز خالی از فایده نیست که ذهن حقوقدانان جدید در شرایط اقتصادی کنونی بیشتر معطوف به این مسئله بوده و کمتر مشاهده می‌شود که حقوقدانان سابق نظریه‌ی تعدیل وجه التزام را قبول داشته باشند و مورد بحث قرار دهند.

وجه التزام، مبلغی است که طرفین ضمن عقد شرط می‌نمایند که در صورت تخلف، متخلف آن را به دیگری تأدیه نماید؛ لذا اصولاً وجه التزام مبلغی ثابت می‌باشد. در زمینه تعدیل وجه التزام حقوق ما بسیار ضعیف می‌باشد و نص صریحی در این خصوص در قانون مدنی وجود ندارد. اما در حقوق مصر و انگلیس، امکان تعدیل و تغییر وجه التزام وجود داشته و قواعد خاصی را درباره‌ی آن اجرا می‌کنند. در حقوق این کشورها، وجه التزام مقطوع نبوده و قابل تغییر می‌باشد، برخلاف حقوق ایران که در آن با استناد به ماده ۲۳۰ قانون مدنی، آن را مقطوع می‌دانند.

واژگان کلیدی: وجه التزام، تعدیل قرارداد،

ماده ۲۳۰ قانون مدنی، قاعده انصاف.

مقدمه

وجه التزام که ضمانت اجرای قراردادی تخلف از مفاد عقد یا شروط ضمن عقد می‌باشد، در حقوق ما به نوعی خسارت مقطوع به شمار می‌رود. بر اساس ماده ۲۳۰ قانون مدنی، هرگاه وجه التزامی در قرارداد تعیین شده باشد، قاضی نمی‌تواند، حکم به جبران خسارت، بیشتر و یا کمتر از مبلغ مورد توافق صادر نماید. این مطلب که آیا قاضی می‌تواند در توافق دو طرف قرارداد (وجه

«در موارد زیر دادگاه می‌تواند میزان خسارت را تخفیف دهد:

۱- واردکننده زیان ... کمک و مساعده کرده باشد.

۲- خسارت ناشی از غفلت قابل اغماض باشد و موجب عسر و حرج جبران‌کننده شود.

۳- زیان دیده در ایجاد زیان تسهیل کرده باشد.» ایشان براساس این ماده، استدلال می‌کنند که دادگاه می‌تواند با استناد به این ماده وجه التزام را تعدیل نماید. بدین صورت که ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی، حکم راجع به قاطع بودن قراردادها در خسارت (ماده ۲۳۰ قانون مدنی) را تخصیص می‌زند^۸ و برای شرح آن به پرونده‌ی برق مذکور در بند قبل، اشاره می‌کنند.

اما با توجه به ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی که بیان می‌کند این قانون، مربوط به خسارات وارده ناشی از عمل بدون مجوز قانونی افراد به دیگران است و ناظر به مسئولیت‌های قهری (خارج از قرارداد) می‌باشد، مشخص می‌گردد که توجیه مذکور قابل دفاع نمی‌باشد. بدین نحو که ماده فوق‌الاشعار به هیچ وجه قابل اعمال در مسئولیت‌های قراردادی نبوده و مربوط به مسئولیت‌های خارج از قرارداد می‌باشد.^۹

۳- امکان استناد به بند ۱ ماده ۲۳۲ قانون مدنی و قاعده لاجرح

عده‌ای اینطور استدلال کرده‌اند که اگر متعهد از انجام شرط خسارت توافقی که نوعی شرط فعل است در موعد مقرر ناتوان گردد، دادگاه می‌تواند با استناد به بند ۱ ماده ۲۳۲ قانون مدنی آن را باطل اعلام نموده و مشروط علیه را از قید آن برهاند.^{۱۰} البته در معنی غیرمقدور باید چند نکته را در نظر گرفت. اول اینکه شرط غیرمقدور، شرط فعل باشد نه شرط صفت. دوم اینکه، مقصود از غیرمقدور این نیست که مشروط علیه نتواند به هیچ وجه و در هیچ زمانی آنرا انجام دهد، بلکه حتی اگر اجرای قرارداد برای وی با توجه به موقعیت مالی، اجتماعی و حقوقی او غیرمعمول، پرهزینه و مشکل آفرین باشد، امر غیرمقدور محسوب می‌گردد.^{۱۱}

همین طور می‌توان به قاعده «عسر و حرج» استناد کرد که بر اساس آن هر حکمی که اشخاص را به سختی و مشقت شدید بیندازد، در اسلام وجود ندارد. این قاعده در حقوق ایران نیز سایه افکنده و به عنوان

عبارات سند مزبور عرفاً مستفاد می‌گردد، حاوی شرط فعلی است که طبق ماده ۲۳۷ قانون مدنی خواننده متعهد شده است اقدامات لازمه را برای روشنائی برق مورد معامله ظرف مدت یک ماه معمول دارد.

نظر به اینکه به موجب نامه‌ی ... در تاریخ ۷/۸/۱۳۳۴ یعنی ظرف مدت مقرر بین طرفین برای وصل جریان اقدام و به تعهد خود عمل نموده است و تأخیر روشنائی را نمی‌توان ناشی از مسامحه و تخلف خواننده دانست، چنانچه مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ نیز منوطاً مؤید این مطلب است، لذا خواهان در مطالبه‌ی وجه التزام خواسته شده، محکوم به بی‌حقی می‌گردد و ...»^{۱۲}

آنچه از مطالعه‌ی رأی به نظر می‌رسد این است که آنچه دادگاه انجام داده است، اعمال قاعده‌ی انصاف نبوده، بلکه اعمال قصد

اما اکثر حقوقدانان سعی دارند که راهی را از طریق تفسیر قوانین و مقررات و استفاده از اصول و تفاسیر حقوقی، برای تعدیل وجه التزام بیابند.

آنچه از مطالعه‌ی رأی به نظر می‌رسد این است که آنچه دادگاه انجام داده است، اعمال قاعده‌ی انصاف نبوده، بلکه اعمال قصد مشترک طرفین بوده است و لذا براساس مفاد قرارداد، رأی صادر شده

مشترک طرفین بوده است و لذا براساس مفاد قرارداد، رأی صادر شده و آنچه در قرارداد بوده اجرا گردیده است و به هیچ وجه دادگاه نظر به بهره‌برداری از قاعده انصاف نداشته است.^{۱۳} همچنین، براساس آنچه که گفته شده استناد به قاعده‌ی انصاف هیچ محمل قانونی نداشته^{۱۴} و قابل استناد نمی‌باشد.

۲- امکان استناد به ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی

از دیگر استدلالات حقوقی در زمینه‌ی امکان توجیه تعدیل وجه التزام، استناد به قوانین و مقررات است. بدین صورت که عده‌ای اساتید به قانون مسئولیت مدنی استناد می‌کنند و ماده ۴ قانون را مورد استناد قرار می‌دهند. ماده ۴ قانون مزبور بیان می‌کند:

به عنوان مثال، مرحوم حائری شاه باغ در این مورد بیان می‌کنند که «... تعیین مقدار بخصوصی، متضمن کم و زیادی خسارت واقعی است.»^{۱۵} و لذا وجه التزام را قابل تعدیل ندانسته و آن را مقطوع می‌دانند. همچنین برخی اساتید امروزی نیز نظر بر غیرقابل تعدیل بودن وجه التزام دارند و بیان می‌کنند که اصل حاکمیت اراده، اقتضا دارد که توافق طرفین در مورد مبلغ خسارت، مورد احترام باشد.^{۱۶} اما، اکثریت حقوقدانان سعی در توجیه نظریه‌ی امکان تعدیل وجه التزام دارند. حال به بررسی راهکارهای ارائه شده در این زمینه می‌پردازیم.

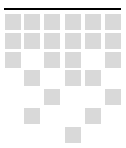
۱- امکان استفاده از قاعده‌ی انصاف

اجرای این قاعده بیشترین مبنای توصیه نویسندگان حقوقی کشور برای تعدیل مفاد شرط خسارت توافقی بوده و آن را در اختیار دادگاه قرار داده‌اند تا براساس مفاد این قاعده رفتار نماید. حتی این اساتید، مبنای اسلامی نیز برای آن طرح کرده‌اند و توسل به قاعده‌ی عدل و انصاف را در موارد سکوت قانون یا عدم وجود دلیل مخالف، به استناد گفته‌ی ابن قیم در الطرق الحکمیة که هر عدل و انصافی را شرع می‌داند، مجاز دانسته‌اند.^{۱۷}

دکتر کاتوزیان در کتاب قواعد عمومی قراردادهای بیان می‌کنند که انصاف می‌تواند پنهانی شرایط قرارداد را طوری تفسیر کند که با عدالت سازگار گردد^{۱۸} و در این راه به پرونده شعبه چهارم دادگاه بخش استناد می‌کنند که براساس انصاف، رأی مقتضی را صادر کرده است. اما در ادامه بیان می‌کنند که استناد به انصاف هیچ محمل قانونی ندارد. برای توضیح بهتر مسأله، مناسب است رأی دادگاه در این زمینه مورد بررسی قرار گیرد. در این دعوی، خانه‌ای فروخته می‌شود و فروشنده ضمن سند رسمی انتقال تعهد می‌کند که ظرف مدت یکماه برق خانه را وصل نماید. ضمانت اجرای تخلف از اجرای این تعهد چنان گزاف است که به تقریب معادل بهای خانه است. متعهد درخواست امتیاز بهره‌برداری از نیروی برق را می‌کند و ودیعه‌ی لازم را می‌سپارد، لیکن روشنائی دیرتر از موعد داده می‌شود. خریدار نیز تقاضای صدور حکم به پرداخت وجه التزام را می‌کند. دادگاه در پایان جلسات، چنین رأی می‌دهد.

رأی دادگاه:

«نظر به اینکه تبصره ذیل سند رسمی شماره ... دفتر شماره ۵۲ تهران، چنانچه از



مثال در ماده ۹ قانون روابط مالک و مستأجر مشاهده می‌گردد. ماده ۹ قانون مزبور بیان می‌کند: «در مواردی که دادگاه تخلیه‌ی ملک مورد اجاره را به لحاظ کمبود مسکن موجب عسرو حرج مستأجر بداند و معارض با عسر و حرج موجب نباشد، می‌تواند مهلتی برای مستأجر قرار دهد».

اما این طرز استدلال نیز با توجه به نص ماده ۲۳۰ قانون مدنی، قابل قبول به نظر نمی‌رسد.

۴- امکان استناد به ماده ۳۹۱ قانون تجارت

برخی اساتید برای توجیه نظریه‌ی تعدیل، به ماده ۳۹۱ قانون تجارت که بیان می‌کند «اگر مال التجاره بدون هیچ قیدی قبول و کرایه‌ی آن تأدیه شود، دیگر بر علیه متصدی حمل و نقل دعوی پذیرفته نخواهد شد مگر در مورد تدلیس یا تقصیر عمده ...» استناد کرده و بیان می‌کنند که ماده ۲۳۰ قانون مدنی حقا منصرف

تخلف در اجرا اعم است از تخلف در اجرای کل یا جزء. مهم آن است که در هر دو حال، قرارداد به طور کامل اجرا نشده و متعهد نیز تخلف نموده است. لذا متعهد له، استحقاق دریافت کل مبلغ خسارت را خواهد داشت.^{۱۳} اما عده‌ای دیگر از اساتید با استناد به قانون مدنی فرانسه بیان کرده‌اند که هرگاه قسمتی از تعهد انجام شده و لکن تخلف نسبت به بعضی دیگر باشد، دادگاه می‌تواند وجه التزام را نسبت به قسمتی از تخلف از تعهد صورت گرفته معین کند.^{۱۴} آنچه به نظر می‌رسد این است که نظریه‌ی امکان تعدیل در صورت اجرای بخش مفید قابل تجزیه قرارداد، قابل دفاع به نظر می‌رسد. زیرا آنچه در مقصود طرفین بوده این است که هر جزء قرارداد را در برابر وجه مشخص قرارداده‌اند و هر جزء آن قرارداد مفید بوده و مورد نظر متعهد می‌باشد. لذا باید گفت که در صورت اجرای بخش مفیدی از قرارداد، امکان تعدیل وجه

داده و آن را کاهش دهد. در برخی موارد نیز امکان افزایش وجه التزام پیش‌بینی شده است. این موارد در مواد ۲۲۴ و ۲۲۵ قانون مدنی مصر ذکر شده است. البته ذکر این نکته لازم است که قانون مدنی سابق مصر، از قانون مدنی فرانسه پیروی می‌نمود و براساس ماده ۱۱۵۲ قانون مدنی فرانسه، در صورت توافق طرفین بر وجه التزام، دادگاه نمی‌توانست متخلف را به کمتر یا بیشتر از مبلغ مورد توافق محکوم کند. لذا حقوقدانان فرانسوی امکان تعدیل وجه التزام را نمی‌پذیرفتند، حتی در صورتی که به حد مبالغه‌آمیزی بیشتر از مبلغ ضرر واقعی باشد. حقوق مدنی مصر نیز بر همین منوال بود و ماده ۱۲۳ قانون قدیم همین حکم را بیان می‌کرد. اما با اصلاحات قانون مدنی فرانسه و بعد از نقد و تجزیه و تحلیل، قضات به این نتیجه رسیدند که مبلغ وجه التزام را قابل تعدیل بدانند. قانون مدنی جدید مصر نیز براساس این تغییرات

امکان تعدیل در صورت اجرای بخش مفید قابل تجزیه قرارداد، قابل دفاع به نظر می‌رسد.

اصل در حقوق مصر بر این است که در صورت قرارداد وجه التزام در قراردادهای، قاضی باید به اراده‌ی طرفین احترام گذاشته و تغییری در میزان آن ندهد. اما این اصل، بدون استثناء نبوده و در برخی موارد به قضات اجازه داده شده است که این مبلغ مورد توافق را تغییر دهند.

وجه التزام مقرر بین طرفین، خسارت تخلف در اجرا بوده و تخلف در اجرا اعم است از تخلف در اجرای کل یا جزء. مهم آن است که در هر دو حال، قرارداد به طور کامل اجرا نشده و متعهد نیز تخلف نموده است.

به تصویب رسید.^{۱۵} حال در این قسمت، به بررسی حالات کاهش و افزایش وجه التزام در حقوق مصر می‌پردازیم.

۱- موارد کاهش (تخفیف) وجه التزام

اصل در حقوق مصر بر این است که در صورت قرارداد وجه التزام در قراردادهای، قاضی باید به اراده‌ی طرفین احترام گذاشته و تغییری در میزان آن ندهد. اما این اصل، بدون استثناء نبوده و در برخی موارد به قضات اجازه داده شده است که این مبلغ مورد توافق را تغییر دهند. در همین راستا، ماده ۲۲۴ قانون مدنی مصر بیان می‌کند:

«اولاً: داین نمی‌تواند شرط کیفری را مطالبه نماید، در صورتی که مدیون ثابت کند ضرری به داین وارد نیامده است. ثانیاً: قاضی می‌تواند مبلغ این تعویض اتفاقی را کاهش دهد، در صورتی که مدیون

التزام مقرر وجود دارد، مگر اینکه طرفین خلاف آن را مورد تراضی قرارداده و شرط کرده باشند.

به طور کلی از مجموع مطالبی که گفته شد می‌توان این نتیجه را استنباط کرد که اولاً: در حقوق ایران ما با فقدان نص خاص در مورد تعدیل وجه التزام روبرو هستیم و لازم است قانونگذاری در این زمینه صورت گیرد. ثانیاً: علت بروز مشکلات در زمینه‌ی تعدیل وجه التزام، نص ماده ۲۳۰ قانون مدنی است که وجه التزام را مقطوع می‌داند. لذا لازم است ماده مزبور، اصلاح گردد.

فصل دوم: حقوق مصر

در حقوق مصر، قانونگذار مواد خاصی را به بحث تعدیل وجه التزام اختصاص داده است. بدین صورت که در مواردی قاضی مجاز بوده که شرط جزائی مندرج در قرارداد را تخفیف

از موارد تدلیس و تقصیر عمده بوده و باید ملاک ماده ۳۹۱ قانون تجارت را حاکم بر ماده ۲۳۰ قانون مدنی شمرد. تدلیس و تقصیر عمده، وضع خاص خود را دارند و نمی‌توان آن‌ها را به زنجیر ضوابط عادی کشید.^{۱۶} اما در این توجیه نیز هیچگونه دلیل و منطقی ارائه نمی‌گردد.

۵- امکان تعدیل وجه التزام در صورت اجرای قسمت قابل تجزیه قرارداد

در صورتی که قرارداد از اجزاء متعددی تشکیل شده باشد و هر جزء قابل تفکیک بوده و برای متعهدله مفید باشد، این سوال مطرح می‌گردد که آیا اجرای بخشی از قرارداد و نقض بخش دیگر آن، باعث استحقاق وجه التزام به صورت کامل می‌گردد یا خیر؟ عده‌ای معتقدند که وجه التزام مقرر بین طرفین، خسارت تخلف در اجرا بوده و



باید به این نکته اشاره کرد که با وجود تعدیل شرط وجه التزام در حقوق مصر، باز هم فواید و آثاری بر این شرط بار می‌گردد. این فواید و آثار عبارتند از:

اولاً: شرط جزائی ورود ضرر را مفروض دانسته و داین مجبور به اثبات آن نمی‌باشد (ماده ۲۲۴ قانون مدنی مصر).

ثانیاً: وجود شرط جزائی فرض را بر این قرار می‌دهد که تقدیر مورد توافق متناسب با ضرر بوده و بر مدیون است که ثابت کند این مبلغ تا حد زیادی نامتناسب می‌باشد.

ثالثاً: صرف اثبات زیادتر بودن مبلغ شرط جزائی کفایت نمی‌کند و باید این عدم تناسب تا حد زیادی باشد.^{۲۱}

از آنچه که گفته شد نتیجه گرفته می‌شود که در زمینه تعدیل وجه التزام، حقوق مصر منطبق با حقوق جدید بوده و می‌تواند به عنوان الگویی برای تدوین مقررات مربوط در حقوق ایران مورد استفاده قرار گیرد.

یا خطای سنگینی شده است.» متن این ماده در قوانین سوریه، لبنان و عراق و لیبی و ... وجود دارد. براساس این ماده در صورتی که داین ثابت کند به علت غش مدیون یا خطای سنگین او، ضرر سنگینی را متحمل شده که بیشتر از وجه التزام مقرر بین طرفین می‌باشد، می‌تواند با اثبات این مطلب مبلغ بیشتری را مطالبه کند. این حکم تعدیل در قانون مدنی آلمان (مواد ۳۴۰ و ۳۴۳) و قانون مدنی ایتالیا (ماده ۱۳۸۴) نیز مقرر شده است.^{۲۰} در پایان

در حقوق انگلیس، اگر مبلغ معین شده، جنبه‌ی تعیین پیشاپیش خسارت داشته باشد، قاضی باید آن را نافذ شمرده و به عقیده‌ی طرفین قرارداد احترام گذارد. اما اگر مبلغ معین شده، جنبه‌ی تنبیهی و مجازاتی داشته باشد، قابل اجرا و نافذ نبوده و باید خسارت واقعی به اثبات برسد و مورد مطالبه قرار گیرد.

ثابت کند که این تعیین مقدار تا حد زیادی بیش از ضرر واقعی بوده و یا اینکه ثابت کند تعهد اصلی به صورت جزئی انجام شده است. ثالثاً: هر توافقی برخلاف دو بند قبل، باطل می‌باشد.»

همانطور که مشخص است بند دوم ماده ۲۲۴ قانون مدنی مصر، حالات کاهش وجه التزام را اینطور بیان می‌کند. اول اینکه اثبات شود جزئی از تعهد اصلی صورت گرفته است و دوم اینکه تفاوت مبلغ مورد توافق با ضرر واقعی تا حد زیاد به اثبات برسد.^{۱۶} لذا قاضی باید در صورتی که اجرای تعهد، به صورت مطلوب صورت نگرفته باشد و یا جزئی از تعهد انجام شده باشد، مبلغ مذکور مورد توافق را کاهش دهد. در مورد حکم قسمت دوم، گفته شده است که موضوع تعهد یا پرداخت مبلغی پول است و یا تعهدی غیر پولی است. اگر موضوع، پرداخت پول باشد، برای فرار از بحث ربا قائل به کاهش مبلغ وجه التزام می‌شویم. اما اگر تعهد غیر پولی باشد، دو فرض مطرح می‌گردد. بدین توضیح که یا مقصود طرفین از شرط کیفری، تهدید مالی بوده که در این صورت باید قاضی آن را در نظر بگیرد و براساس قواعد آن را تعدیل کند و یا اینکه اشتباه صورت گرفته است که باید آن را با تعدیل، اصلاح نمود.^{۱۷}

نکته مهم این است که در صورت شک در مسأله مبنی بر اینکه آیا تفاوت ضرر واقعی با مبلغ مورد توافق زیاد می‌باشد یا خیر، باید به اصل رجوع کرد و اصل در وجه التزام، عدم تعدیل و تغییر آن می‌باشد. لذا در صورتی که مدیون نتواند ثابت کند که ضرر واقعی و مبلغ مورد توافق تا حد زیادی (الی درجه کبیره) اختلاف دارند، امکان تعدیل وجود ندارد.^{۱۸} همچنین براساس بند سوم ماده ۲۲۴ توافق برخلاف این مسئله باطل بوده و قابل اجرا نمی‌باشد. زیرا مسئله مربوط به نظم عمومی بوده و از قواعد امره محسوب می‌گردد.^{۱۹}

۲- موارد افزایش وجه التزام

در برخی موارد، قاضی مجاز است که به مبلغی بیشتر از وجه التزام حکم دهد. ماده ۲۲۵ قانون مدنی مصر در این باره بیان می‌کند: «در صورتی که ضرر وارده، بیش از مبلغ مورد توافق وجه التزام باشد، داین نمی‌تواند مبلغ بیشتری از وجه التزام را مطالبه کند، مگر اینکه ثابت کند مدیون مرتکب غش



در حقوق انگلیس، مبلغ مورد توافق به عنوان وجه التزام را در دو فرض بررسی می‌کنند و احکام خاصی را درباره‌ی آن اجرا می‌کنند. اگر مبلغ معین شده، جنبه‌ی تعیین پیشاپیش خسارت داشته باشد، قاضی باید آن را نافذ شمرده و به عقیده‌ی طرفین قرارداد احترام گذارد. اما اگر مبلغ معین شده، جنبه‌ی تنبیهی و مجازاتی داشته باشد، قابل اجرا و نافذ نبوده و باید خسارت واقعی به اثبات برسد و مورد مطالبه قرار گیرد. در مورد کیفیت تعیین ماهیت نیز، به آرای معروف قضات انگلیسی اشاره می‌کنند که هرگاه مبلغ تعیین شده آن قدر «اغراق‌آمیز» یا «نامعقول» باشد که از آخرین حد خسارت ممکن و قابل اثبات فراتر رود، مبلغ مزبور جنبه‌ی مجازات خواهد داشت. لذا قاضی می‌تواند آن مبلغ را کاهش داده و سپس حکم به پرداخت آن صادر نماید. در حقوق انگلیس، قراردادهای دو دسته تقسیم می‌کنند: قراردادهای کامل^{۲۲} و قراردادهای قابل تجزیه.^{۲۳} قراردادهای کامل را

حقوق ایران در مسئله تعدیل وجه التزام دچار ضعف شدیدی بوده و لازم است در این مورد چاره‌اندیشی شده و قانون مناسب وضع گردد.

استثناء محسوب کرده و اصل را بر قراردادهای قابل تجزیه قرار می‌دهند. در تعریف قرارداد قابل تجزیه گفته می‌شود که قرارداد در صورتی قابل تجزیه است که برخی تعهدات مندرج در قرارداد بتواند به طور مستقل از اجرای تعهدات دیگر، مورد اجرا قرار گیرد. در مورد اینکه آیا تعهد خاصی، کامل بوده یا قابل تجزیه می‌باشد باید به تفسیر قرارداد مراجعه نمود. در دعوی یک کشتی در طول مسیر آسیب دیده بود و باید برای تعمیرات به تعمیرگاه کشتی‌ها برده می‌شد، خواهان تعمیرات را انجام داده بود، ولی قبل از اتمام قرارداد، مطالبه‌ی اجرت کارهای انجام شده تا آن وقت را کرده بود. دعوی با موفقیت او توأم شد، زیرا مطابق قرارداد او مجبور نبود که قبل از مطالبه‌ی پول، کلیه‌ی تعمیرات را انجام دهد و قرارداد قابل تجزیه شناخته شد.^{۲۴}

از مجموع مطالعات انجام شده نتیجه گرفته می‌شود که حقوق انگلیس نیز مانند حقوق ایران دچار اشکالاتی می‌باشد. اشکال

اساسی در این است که مطالب به طور واضح مطرح نمی‌گردند و البته شاید بتوان علت این امر را در ساختار حقوق انگلیس جستجو کرد که به صورت موردی و موضوعی به بحث می‌پردازد و از دعوی مطروحه سخن می‌گوید و اصول را به طور منظم بیان نمی‌کند.

در حقوق فرانسه نیز بر اساس قانون نهم ژوئیه ۱۹۷۵، به قاضی اجازه داده شده است که در صورتی که وجه التزام مندرج در قرارداد، «به وضوح اغراق‌آمیز» و یا «ناچیز» باشد، مبلغ آن را تعدیل کند.^{۲۵}

جمع‌بندی

به طور کلی می‌توان مقایسه‌ای بین حقوق انگلیس و حقوق مصر انجام داد و بر اساس آن نتیجه گرفت که:

در صورت بسیار بیشتر بودن خسارت وارده نسبت به مبلغ مورد توافق، هم در حقوق مصر و هم در حقوق انگلیس، اجازه‌ی گرفتن مبلغ خسارت واقعی امکان دارد. زیرا در حقوق انگلیس اگر مبلغ مورد توافق با ضرر واقعی نامتناسب باشد، توافق ماهیت مجازات داشته و قابل اجرا نمی‌باشد و می‌توان خسارت واقعی را در صورت اثبات مطالبه نمود و این از موارد افزایش میزان وجه التزام در حقوق مصر می‌باشد. عکس این موضوع نیز در خصوص کاهش وجه التزام صادق است.

در پایان باید به این نکته اشاره کرد که حقوق ایران در مسئله تعدیل وجه التزام دچار ضعف شدیدی بوده و لازم است در این مورد چاره‌اندیشی شده و قانون مناسب وضع گردد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- حائری شهاب‌باغ، سیدعلی، شرح قانون مدنی، جلد ۱، صفحه ۲۰۸.
- ۲- صفائی، سیدحسین، قواعد عمومی قراردادها، صفحه ۲۰۹.
- ۳- عادل، مرتضی، «توافق بر خسارت در قراردادها»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۳، پائیز ۱۳۸۰، صفحه ۹۶.
- ۴- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۳، صفحه ۵۱۵.
- ۵- کاتوزیان، ناصر، عدالت قضائی، صفحه ۴۰۱، پرونده شماره ۳۵/۱۰۶.
- ۶- عادل، مرتضی، همان منبع، صفحه ۹۷.
- ۷- کاتوزیان، ناصر، منبع پیشین، صفحه ۵۵.
- ۸- منبع پیشین، ص ۸۱.
- ۹- عادل، مرتضی، منبع پیشین، صفحه ۹۷.

- ۱۰- کاتوزیان، ناصر، منبع پیشین، صفحه ۵۵.
- ۱۱- عادل، مرتضی، منبع پیشین، صفحه ۹۹.
- ۱۲- لنگرودی، محمدجعفر، حقوق تعهدات، صفحه ۳۱۵، شماره ۴۰۹.
- ۱۳- متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی، جلد ۲، صفحه ۳۹۰.
- ۱۴- لنگرودی، محمدجعفر، منبع پیشین، صفحه ۳۱۲؛ کاتوزیان، ناصر، منبع پیشین، جلد ۴، صفحه ۲۴۵.
- ۱۵- سنهوری، عبدالرزاق، الوسیط فی شرح قانون المدنی الجدید، جلد ۲، صفحه ۸۷۳، شماره ۴۹۵؛ الشهاوی، قدری عبدالفتاح، آثار الالتزام، صفحه ۱۳۰، شماره ۶۹.
- ۱۶- منبع پیشین، صفحه ۸۷۰، شماره ۴۹۳؛ توفیق حسن فرج و جلال علی العدوی، النظریه العامه للالتزام، منشورات الحلبي الحقوقیه، بیروت، لبنان، ۲۰۰۲، صفحه ۶۳۴، شماره ۱۷۶.
- ۱۷- توفیق حسن فرج و جلال علی العدوی، منبع پیشین، صفحه ۶۳۵، شماره ۱۷۶.
- ۱۸- منبع پیشین، صفحه ۶۳۶، شماره ۱۷۶.
- ۱۹- منبع پیشین، صفحه ۶۳۴، شماره ۱۷۵.
- ۲۰- سنهوری، عبدالرزاق، منبع پیشین، صفحه ۸۷۳، شماره ۴۹۵؛ الشهاوی، قدری عبدالفتاح، منبع پیشین، صفحه ۱۳۰، شماره ۶۹.
- ۲۱- منبع پیشین، صفحه ۸۷۵، شماره ۴۹۵.

22- Entire contracts.

23- Severable contracts.

۲۴- میرمحمد صادقی، حسین، مروری بر حقوق قراردادها، صفحه ۱۹۵.

۲۵- اسکینی، ربیعا، مباحثی از حقوق تجارت بین‌الملل، صفحه ۶۳.